



بیانات در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور - 16 شهریور / 1389

بسم الله الرحمن الرحيم

خیلی متشکریم از دوستان عزیزی که این جلسه را تدارک دیدند و این فرصت را برای بنده به وجود آوردند که جمع محترم و عزیز کارآفرینان را در روزهای آخر ماه مبارک - که روزهای مغتنمی است - زیارت کنیم و این مطالب مفید را از دوستان بشنویم. البته من مطمئنم که جمع شما حرفهای زیادی دارید؛ هر کدام از هر بخشی که در اینجا شرکت کردید، درباره‌ی بخش مربوط به خودتان هم پیشنهاد دارید، هم نظرهای نو دارید، هم بلاشک مزدهائی دارید که برای ملت ما و کشور ما خرسند کننده است - همچنانی که این مطالبی که دوستان گفتند، بسیاری خرسند کننده است برای ملت عزیزمان - و هم انتقادهائی دارید، مطالباتی دارید که همه‌اش بجاست.

خب، ما دو روز قبل از این، جلسه‌ی اهل علم را داشتیم، امروز هم جلسه‌ی اهل عمل را. اگرچه بسیاری از شماها اهل علمید؛ علم را با عمل توأم کرده‌اید. و همان طور که در روایت شریف هست که: «العلم یهتف بالعمل فان اجاب و الا ارتحل»؛ (1) علم، عمل را به دنبال خود فرا میخواند، دعوت میکند. اگر عمل به دنبال علم آمد، آن وقت علم میماند، باقی میماند - یا شاید بشود گفت توسعه پیدا میکند، رشد پیدا میکند - اگر عمل به دنبال علم نیامد، علم هم باقی نمیماند. «و الا ارتحل»؛ عمل که نبود، علم هم میرود. اهمیت عمل را اینجا میشود فهمید؛ اهمیت کار را اینجا میشود فهمید. کار بدون علم، کم اثر است؛ علم بدون کار، بی اثر است. اهمیت کار این است.

خب، وقتی کار اینقدر مهم است، پس کارآفرینی هم به همین نسبت حائز اهمیت است. اگر کسی بتواند زمینه‌ی کار را فراهم بکند، یک عبادت انجام داده است. نگاه به این کاری که تولید میشود، فقط از جنبه‌ی این نباشد که ما یک بی‌کار را دستش را به یک کاری بند میکنیم تا یک درآمدی داشته باشد؛ خب، این که البته خیلی چیز خوبی است، لازم است، بلاشک. یعنی کارآفرینی، ایجاد اشتغال در کشور موجب میشود که ثروت تولید بشود؛ همچنانی که سرمایه و سرمایه‌دار، ایجاد کار میکند - چه سرمایه‌ی مالی، چه سرمایه‌ی علمی - کارگر هم ایجاد سرمایه میکند، ایجاد ثروت میکند. این البته یک جنبه‌ی مهمی است در اشتغال، اما اهمیت اشتغال فقط این نیست. یک بعد دیگر اهمیت اشتغال این است که شما یک گنج را دارید استخراج میکنید. یک انسانی که در او استعدادها و وجود دارد، میتواند تولید کند، میتواند بیافریند، این افتاده بود آنجا، شما دست او را به کار بند کردید، این گنجینه‌ی درونی استخراج شد؛ خیلی اهمیت دارد. انسانی که کار ندارد، اشتغال ندارد، یک استعداد پنهان مخفی خداداده را غالباً بدون اختیار خودش راکد گذاشته، وقتی شما این انسان را مشغول کار میکنید، این چشمه که در درون بود و از او استفاده‌ای نمیشد، تشنه‌ای از او سیراب نمیشد، این چشمه را شما به جریان می‌اندازید. پس اشتغال و اشتغال‌آفرینی، هم جنبه‌ی اقتصادی بزرگی دارد، هم جنبه‌ی انسانی خیلی والائی دارد.

لذا من عرض میکنم که کارآفرینی در بخشهای مختلف - البته امروز این جمع دوستان و عزیزانی که صحبت کردند، بخشهای محدودی را مطرح کردند. اینها فقط نیست؛ در بخشهای وسیع و گسترده‌ی عظیم استعدادهای کشور و توانائی‌های طبیعی و انسانی کشور، کارآفرینی رشته‌های فراوانی دارد که خب یک گلچینی از آنها شماها هستید؛ مشتتی از خروار. کارآفرینی در کشور گسترده است - عبادت است؛ این کارآفرینی یک عبادت است؛ یک کار باارزش است؛ یک ارزش‌آفرینی است.

خب، این جلسه‌ی ما عمدتاً یک جلسه‌ی نمادین است. درست است که هم من از بیانات دوستان استفاده کردم، هم مطالب شما پخش خواهد شد و ملت استفاده خواهند کرد؛ لکن این جلسه نشان میدهد که توانمندی‌های کشور عزیز ما چقدر گسترده است. شما ملاحظه کنید، حالا فرض کنید اگر در بخش کشاورزی، در بخشهای مختلف صنعتی، در بخشهای گوناگون دانشهای دیگر و فناوری‌های دیگر، در بخشهای خدمات، در بخشهای بازرگانی، بیایند کارهائی را



که انجام گرفته است بیان کنند، هر شنونده‌ای خواهد دید و برآی‌العین مشاهده خواهد کرد که بحمدالله کشور عزیز ما - همان طور که من بارها گفته‌ام - توانمندی‌های زیادی دارد، ظرفیت زیادی دارد. ما امروز در واقع کشور را مشاهده میکنیم که به شکل يك کارگاه عظیم و وسیعی درآمده؛ از همه طرف دارد کار می‌جوشد، ابتکار به وجود می‌آید، نوآوری هست، تکیه‌ی به دانش هست، تکیه‌ی به تجربه هست.

خب، من پربروز به استادان دانشگاه‌ها که اینجا تشریف داشتند، به آنها هم گفتم، به شما هم عرض میکنم؛ نه اینکه خیال کنید ما به این چیزها قانعیم، یا نرخ بیکاری در کشور را اطلاع نداریم و نمی‌بینیم؛ نه، همه‌ی این کارهائی که انجام گرفته، قدم اول است؛ همه‌ی این کارها قدم‌های اول است. ما قدم‌های بعدی را باید برداریم. مهم برای برداشتن قدم بعدی چیست؟ مهم در درجه‌ی اول این است که ما بدانیم میشود قدم برداشت. بعد از آنی که فهمیدیم اقدام، ممکن است، احساس کنیم که این اقدام يك وظیفه است؛ يك وظیفه‌ی عظیمی است.

البته کار فی‌نفسه مهم است؛ اما امروز به دو دلیل اساسی کار و کارآفرینی مهمتر از همیشه است. اینی که گفتند کار در اسلام مهم است، خب این همه روایات فراوانی از ائمه (علیهم‌السلام) در اهمیت کار، در فضیلت کار وارد شده که این کارهائی که شما ذکر کردید، نمونه‌هائی از همین چیزی است که مورد فضیلت است، که حالا من این روایت را اینجا یادداشت کردم: «من يعمل یزدد قوّة و من یقصر فی العمل یزدد فتره»؛ (2) کار که بکنید، نیروی کار هم افزایش پیدا میکند. خاصیت کار، کاهش نیست، افزایش است؛ افزایش خود نیروی کار، نه محصول کار. خب، محصول کار که معلوم است افزایش پیدا میکند - وقتی کار کردید، کار يك محصولی دارد - اما در این روایت، امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) میفرماید که وقتی کار کردید، قدرت کار و نیروی کار هم افزایش پیدا میکند. «و من یقصر فی العمل»، کسی که در کار کردن کوتاهی کند، تقصیر بکند، «یزدد فتره» یا «فتره»، فتور و سستی او افزایش پیدا میکند. این مال شخص فقط نیست؛ این «من» که فرمود: «من يعمل»، معنایش فقط این نیست که هر کسی این کار را بکند؛ خب، این روی اشخاص نیست، روی جوامع هم هست: هر ملتی، هر جامعه‌ای. هرچه کار بکنید، نیروی کارتان بیشتر میشود. هرچه تحرک انسان داشته باشد، نشاط حرکتش بیشتر میشود. این خب، مال کار است که در اسلام درباره‌ی کار این همه حرف هست، که از جمله حالا این روایت را من اینجا خواندم. لکن امروز گفتیم به دو دلیل کار و طبعاً کارآفرینی اهمیت بیشتری دارد.

دلیل اولش این است که ما در يك برهه‌ای هستیم که آماده‌ی جهشیم؛ ما امروز آماده‌ی جهش در پیشرفتیم. مسئله‌ی ما امروز فقط مسئله‌ی حرکت به جلو نیست. شرائط کشور به گونه‌ای شده که این ملت میتواند يك حرکت عظیم، يك جهش در پیشرفت برای خودش به وجود بیاورد. چرا؟ اولاً زیرساختهای زیادی آماده شده؛ علم در کشور بالا رفته؛ مدیریتهای قوی به وجود آمده است. یکی از مشکلات ما در گذشته‌ها، نبودن مدیریتهای قوی و سالم در کشورمان بوده. امروز ما تجربه‌ی يك مدیریت انقلابی قوی سی ساله داریم. پس این يك زیرساخت است. زمینه‌های کار فراهم شده است؛ امید به پیشرفت زیاد شده است. وقتی می‌آیند میگویند ما داروئی را در کشور ساختیم که همه‌ی دنیا به آن احتیاج دارند، همه‌ی دنیا هم به آن مبتلا هستند، هیچ کدام از مراکز علمی دنیا هم هنوز آن دارو را نتوانستند بسازند، ما توانستیم بسازیم، این خب، امید میدهد به جوان ما. وقتی که ملت مشاهده میکند که ما بدون اینکه يك کشور پشتیبانی داشته باشیم، توانسته‌ایم از درون خودمان دانش هسته‌ای را رشد بدهیم، فوران بدهیم، به پیشرفت برسائیم، خب جوان امیدوار میشود.

در دنیا چند تا از کشورهای دارنده‌ی دانش هسته‌ای این را به طور بومی توانسته‌اند در خودشان به وجود بیاورند؟ بسیار کم. هستند، اما بسیار بسیار نادر؛ از دیگران گرفته‌اند. بسیاری از همین‌هائی که الان - ما این را اطلاع داریم، بنده میدانم؛ از روی اطلاع دارم عرض میکنم - دانش هسته‌ای دارند، کشورهای پشتیبان به آنها بسته‌ی دانش را اهداء کردند؛ روی دلائل ایدئولوژیکی و سیاسی و بقیه‌ی چیزها. ما نه؛ ما توانستیم خودمان این کار را انجام



بدهیم. همان طور که گزارش دادند، کارهای بزرگی در این زمینه انجام گرفته. در زمینه‌ی سلولهای بنیادی، جوانهای ما توانستند با پیگیری، با پشتکار، با فراگیری، کارهای بزرگی را انجام بدهند. خب، اینها خیلی امیدبخش است. پس امروز ما تجربه‌مان بیشتر است، امیدمان بیشتر است، زیرساختها مان زیادتر است، و فصل توانائی و فصل جهش فرا رسیده. ملت خود را شناخته؛ جوان خود را شناخته؛ ضریب بالای هوشی کشور شناخته شده است؛ پس فصل جهش است. وقتی فصل جهش است، پس کار اهمیت مضاعف پیدا میکند؛ کارآفرینی هم به همین نسبت اهمیت مضاعف پیدا میکند. این يك دليل.

دلیل دوم ما که امروز کار برامان مهم است، کارآفرینی مهم است، این است که ما امروز در مقابل يك فشار جهانی قرار داریم. دشمنی وجود دارد در دنیا که میخواهد با فشار اقتصادی و با تحریم و با این کارهائی که شماها میدانید، سلطه‌ی اهریمنی خودش را برگرداند به این کشور. هدف این است. يك کشور به این خوبی، با این همه منابع، منابع طبیعی، با این موقعیت سوق الجیشی، با همه‌ی امکانات، زیر نگیں يك قدرتی در دنیا بوده؛ يك روز انگلیسها بودند، يك روز آمریکائیها بودند - در واقع نظام سلطه، دستگاه سلطه، امپراتوری سلطه. حالا آمریکا يك گوشه‌ای از این امپراتوری است - اینها مسلط بودند بر این کشور؛ انقلاب دست اینها را کوتاه کرده. سلطه میخواهد برگردد به این کشور. همه‌ی این تلاشها برای این است. مسئله‌ی انرژی هسته‌ای بهانه است. آن کسانی که خیال میکنند اگر ما مسئله‌ی انرژی هسته‌ای را حل کردیم، مشکلات حل خواهد شد، خطا میکنند. مسئله‌ی انرژی هسته‌ای را مطرح میکنند، مسئله‌ی حقوق بشر را مطرح میکنند، مسائل گوناگون را مطرح میکنند، که اینها بهانه است. مسئله، مسئله، مسئله فشار است، میخواهند يك ملت را به زانو در بیاورند؛ میخواهند انقلاب را زمین بزنند. یکی از کارهای مهم همین تحریم اقتصادی است. میگویند ما طرفمان ملت ایران نیست! دروغ میگویند؛ اصلاً طرف، ملت ایران است. تحریم برای این است که ملت ایران به ستوه بیاید، بگوید آقا ما به خاطر دولت جمهوری اسلامی داریم زیر فشار تحریم قرار میگیریم؛ رابطه‌ی ملت با نظام جمهوری اسلامی قطع بشود. هدف اصلاً این است. البته ملت ما را نمیشناسند؛ مثل همه‌ی موارد دیگر محاسباتشان غلط اندر غلط است. از نظر نظام سلطه، گناه بزرگ ملت ایران این است که خودش را از زیر بار سلطه آزاد کرده. میخواهند مجازات کنند به خاطر این گناه، که چرا خودت را از زیر بار سلطه، ای ملت! آزاد کرده‌ای. این ملت راه را پیدا کرده. اصلاً محاسباتشان اشتباه است؛ نمیفهمند چه کار باید بکنند و چه کار دارند میکنند. خب، اما فشار می‌آورند؛ فشار اقتصادی از راه تحریمها.

ما باید يك اقتصاد مقاومتی واقعی در کشور به وجود بیاوریم. امروز کارآفرینی معناش این است. دوستان درست گفتند که ما تحریمها را دور میزنیم؛ بنده هم یقین دارم. ملت ایران و مسئولین کشور تحریمها را دور میزنند، تحریم‌کنندگان را ناکام میکنند؛ مثل موارد دیگری که در سالهای گذشته در زمینه‌های سیاسی بود که يك اشتباهی کردند، يك حرکتی انجام دادند، بعد خودشان مجبور شدند برگردند، یکی یکی عذرخواهی کنند. چند مورد یادتان هست لابد دیگر. حالا جوانها نمیدانند. در این ده بیست سال اخیر، از این کارها چند بار انجام دادند. این دفعه هم همین جور است. البته تحریم برای ما جدید نیست، ما سی سال است تو تحریمیم. همه‌ی این کارهائی که شده است، همه‌ی این حرکت عظیم ملت ایران، در فضای تحریم انجام گرفته؛ بنابراین کاری نمیتوانند بکنند. خب، ولی این دلیلی است برای همه‌ی مسئولان و دلسوزان کشور که خود را موظف بدانند، مکلف بدانند به ایجاد کار، به تولید، به کارآفرینی، به پر رونق کردن روزافزون این کارگاه عظیم؛ که کشور ایران حقیقتاً امروز يك کارگاه عظیمی است. همه خودشان را باید موظف بدانند.

آنچه که من از مجموع این مطالب آقایان و خانم که صحبت کردند، میفهمم - که در گزارشها هم همین را انسان احساس میکند - گله‌گزاری‌هائی از جریان امور کار وجود دارد. ما البته سنگ بنای اصلی را با سیاستهای اصل 44 گذاشتیم؛ یعنی حقیقتاً اگر سیاستهای اصل 44 که خود آن اصل، مفسر مواد این اصل هست، ما از خود اصل



استفاده کردیم و آنچه را که در سیاستهای اصل 44 هست، تبیین کردیم و اگر این، ان شاء الله به طور کامل، دقیق، همه جانبه، مستمر اجرا بشود، بسیاری از مشکلات حل خواهد شد. لکن آنچه که من از مجموع این مطالب احساس میکنم، دو کار را دستگاههای دولتی مورد توقع هست که انجام بدهند: یکی، مدیریت دقیق و عالمانه منابع است. بسیاری از این مطالبی که گفتند، ناشی است از اینکه مدیریت منابع مالی به صورت دقیقی در همه ی موارد انجام نگرفته. این لازم است. این را من به عزیزی از دولت که اینجا حضور دارند، توصیه میکنم که روی این تکیه کنند. بسیاری از این ایرادها و اشکالها که خیلی اش هم وارد است، مربوط به این است. مدیریت منابع، معنای این است که ما منابع را بکشانیم به سمتی که امروز برای کشور ارزش افزوده ی مالی و غیرمالی داشته باشد. مراد من از ارزش افزوده فقط ارزش افزوده ی مالی نیست؛ بلکه آنچه که تولید را افزایش بدهد و آنچه که کسب و کار را رونق بدهد و آنچه که امید را افزایش بدهد، اشتغال را افزایش بدهد و از این قبیل. پس یک نکته ی اساسی، مسئله ی مدیریت منابع است.

نکته ی دوم، بهبود فضای کسب و کار است، که از جمله ی کارهایی که به نظر ما عمده ی وظیفه ی دولت هست، همین هست. وزیر محترم در گزارششان اشاره کردند به بهبود فضای کسب و کار. بهبود فضای کسب و کار، بیشتر وظیفه ی دولت است. همین مسئله ی مقررات، تسهیلات گوناگون، پیچ و خم های اداری فراوان، اینها همه، چیزهایی است که اگر چنانچه اصلاح بشود، بهبود فضای کسب و کار که یکی از مسائل عمده ی اقتصادی ماست، حاصل خواهد شد. همین پنجره ی یک واحد - یک پنجره برای کارها که ایشان ذکر کردند - همین یک کار، اگر انجام بگیرد، به نظر من بسیاری از مشکلات حل خواهد شد. این مربوط به بخش دولتی است که بخش مهم است. وظیفه ی دولت، تکلیف دولت، به نظر من عمدتاً اینهاست؛ البته مسئولین و وظائف فراوانی دارند، لکن پایه و مایه آنطور که انسان از مجموع گزارشها و مجموع حرفها استفاده میکند، این دو چیز است.

یک نکته ی اساسی ای که در باب کار وجود دارد و کارآفرینان باید به او توجه کنند، مسئله ی مرغوبیت تولید داخلی است؛ کیفیت تولید داخلی است؛ این خیلی مهم است. البته بخشی از این، ارتباط پیدا میکند به همان قضایای مالی و نمیدانم مقررات و غیرذلك، و پشتیبانی های دولت؛ اما بخشی هم ارتباط پیدا میکند به عزم و اراده ی مسئولین، کارآفرین و کننده ی کار. فرمود: «رحم الله امرا عمل عملا فاتقنه»؛ (3) رحمت خدا بر آن انسانی که کاری را انجام بدهد و آن را متقن انجام بدهد، درست انجام بدهد. این آینده نگری است، غیر از امروز. شما امروز ببینید در دنیا کمپانی هایی هستند صد سال است اینها دارند کار میکنند، صد و پنجاه سال است دارند کار میکنند و محصولاتشان در دنیا فروش میرود. اسم اینها کافی است که جنس را تو بازار رائج کند؛ به خاطر اینکه درست کار کردند، خوب کار کردند، مشتری مطمئن است به اینها. شما میگوئید که ما سفارش کنیم به مردم که تولیدات داخلی را مصرف کنند. من که خب چند سال است دارم سفارش میکنم؛ بنده که بارها گفته ام، منتها این با شعار درست نمیشود. خب، بله یک مقداری مردم حالا یک اعتمادی بکنند، یک اعتنائی بکنند به حرف ما، به خاطری که مثلاً ما گفتیم، بروند یک مقداری چه کنند؛ این یک بخشی از قضیه است. یک بخش دیگر هم مربوط به کیفیت است. خب کیفیت را باید بالا برد؛ کیفیتها را باید بالا برد. بله، من مسئله ی واردات را که چند نفر از دوستان گفتند، بنده به آن عقیده دارم. در جلسه ی مسئولین، در همین جا اوائل ماه رمضان اعلام کردم، گفتیم؛ هم به مجلس، هم به دولت که به مسئله ی واردات پردازند؛ حالا هم از وزیر محترم بازرگانی تو راه سؤال کردم، ایشان اطلاع دادند که کارهای خوبی در این زمینه دارد انجام میگیرد؛ بله راست است. مسئله ی واردات بی رویه و بی منطق ضرر بزرگی است، خطر بزرگی است؛ مردم هم باید این را بدانند. وقتی یک محصول خارجی را ما داریم مصرف میکنیم، در واقع داریم یک کارگر خودمان را بی کار میکنیم، یک کارگر دیگر را داریم به کار وادار میکنیم؛ این هست، منتها مسئله ی مرغوبیت و



کیفیت خیلی مهم است؛ و استحکام؛ اینها خیلی مهم است. اگر چنانچه جنس داخلی، تولید داخلی، این خصوصیات را داشته باشد، به طور طبیعی تمایل پیدا میشود. البته متأسفانه بعضی هستند که بر اثر فرهنگ غلط دوره‌ی منحوس پادشاهی - دوره‌ی طاغوت، دوره‌ی وابستگی - هنوز چشمشان به خارج است. یک روزی بوده است که تو این کشور مسئولین دولتی ما آمدند صریح گفتند که ایرانی یک لوله‌هنگ (4) نمیتواند درست کند! عملاً هم همه چیز را وارد کردند. در همان دوره‌ی طاغوت یک فردی از بلندپایگان دولتی که تصادفاً بنده را توی یک مجلسی - ما که با اینها هیچ وقت ارتباطی نداشتیم، ملاقات هم نمیکردیم - دید، من داشتم انتقاد میکردم از همان چیزهایی که بود. این رو کرد به ما و گفت: چی چی را انتقاد میکنید؟ ما مثل آقا نشستیم، کشورهای دیگر مثل نوکر دارند برای ما کار میکنند، کالا میفرستند داخل؛ این بد است؟ شما ببینید؛ این منطق دولتمردان دوره‌ی طاغوت بود! حالا ظاهرش این منطق است، باطنش چیزهای دیگر بود؛ فسادهای اقتصادی فراوان و فسادهای اخلاقی فراوان. بله، مسئله‌ی واردات و مدیریت واردات مهم است. ما آن روز به دوستانی که اینجا بودند، در جلسه‌ی مسئولین و کارگزاران نظام، توصیه کردیم، گفتیم واردات را مدیریت کنید؛ نمیگوئیم متوقف کنید. یک چیزهایی باید بیاید، یک چیزهایی باید نیاید. یک مدیریت صحیحی باید انجام بگیرد؛ این مسلماً هست.

یکی از کارهای دیگری هم که حالا من اینجا یادداشت کردم که بر عهده‌ی مسئولین دولتی است، توسعه‌ی مهارتهاست. این هنرستانهای فنی و صنعتی، این دانشگاه‌های علمی - کاربردی، این فنی - حرفه‌ای‌ها، آموزشکده‌های فنی - حرفه‌ای، باید توسعه پیدا کند. ما به علم احتیاج داریم، اما به پنجه‌ی کارآمد هم احتیاج داریم. یکی از کارهای اساسی به نظر من این است که در زمینه‌ی صنعت و کشاورزی بایستی کار کنیم. یک نکته‌ی دیگر هم مسئله‌ی نوآوری و ابتکار و زیبایی است در تولیدات کشور. از جمله‌ی چیزهایی که باید مورد توجه قرار بگیرد، نوآوری کردن در همه‌ی تولیدات به صورت پی‌درپی و لحاظ حس، یعنی اشباع حس زیبایی‌شناسی در مصرف‌کننده است. این یکی از مسائل قابل توجه هست که بایستی به آن اهمیت بدهیم. من حقیقتاً از دوستانی که در این زمینه‌ها تلاش میکنند، کار میکنند، تشکر میکنم.

این توصیه‌ی آخر را هم بکنم: به تربیت نیرو، بخصوص در صنایع دانش‌بنیان - همان طور که دوستان گفتند - بایست خیلی اهمیت داد. در بعضی از بخشها خوشبختانه این کار شده است. در بخش انرژی هسته‌ای ما اطلاع داریم، در بخش رویان از نزدیک اطلاع داریم که تربیت نیروی ماهر، نیروی کارآمد، نیروی دانشمند و محقق انجام گرفته. بایست به این در بخشهای مختلف توجه کرد.

خداوند ان‌شاءالله همه‌ی شماها را موفق بدارد. بله، ما ان‌شاءالله بر دشمن فائق خواهیم آمد، تحریمها را دور خواهیم زد و جوانهای ما روزهای خوبی را ان‌شاءالله در آینده تجربه خواهند کرد و این کشور، کشور بسیار با استعدادی است. امروز مثل روزی است که فرض کنید یک عقاب تیزپروازی که میتواند در ارتفاعات بسیار بلندی پرواز کند، از داخل صحن این فضا توانسته به پشت بام بپرد. این یک تجربه است. این سقف پرواز، خیلی بیش از اینها خواهد بود. ان‌شاءالله روزی خواهد رسید که هم مرجع علمی خواهد شد کشور شما، هم مورد افتخار مسلمانان خواهد شد که بگویند اسلام یک کشور را اینجور اداره کرد و هم ان‌شاءالله از لحاظ عملی و از لحاظ تولیدات، مرجع مراجعات مردم دنیا خواهید شد.

والسلام علیکم ورحمة‌الله

(1) بحارالانوار، ج 65، ص 363

(2) الحیاء، ج 1، ص 591

- (3)



دفتر مقام معظم رهبری
www.leader.ir

4) آفتابه